

# فارسی سده چهارده شمسی

■ سیامک خازنی

Farsi in the  
14th century A.H.

Siamak Khazeni

است. در نقوش و خطوط موجود در دیوارهای مساجد، نوعی خط به نام کوفی بنایی بسیار به چشم می‌خورد. این نوع خط بهترین دلیل برای این ادعاست. هیچ خوشنویسی توسط هیچ قلمی نمی‌تواند به این شکل بنویسد. خط کوفی بنایی طراحی اولیه دارد و نیاز به دورگیری و چیدمان پیش از اجرا.

مشابه دو شیوه کالیگرافی و تایپوگرافی را در تصویرسازی نیز می‌بینیم. شیوه شاعرگونه expressive که معمولا حسی و برپایه اتفاق و بداهه است و اغلب بدون طرح اولیه و تصمیم قبلی طراحی ایجاد می‌شود. این شیوه ابزار محور است و ویژگی‌های ابزارهای مختلف در آن نمود می‌کند. در مقابل آن شیوه‌ای معمارگونه constructive است که با برنامه‌ریزی و طراحی اولیه به پیش می‌رود و معمولا در این روش ابزار و مواد اجرایی خودنمایی نمی‌کنند.

اگر ویژگی‌های نوشته فارسی را با لاتین مقایسه کنیم متوجه تفاوت‌های بسیاری می‌شویم. نقش نوشته در آثار گرافیک اروپایی بیشتر کاربردی است و جنبه زیبایی‌شناسی در آن ضعیف است. اکثر نوشته‌های لاتین وظیفه اطلاع‌رسانی را انجام می‌دهند. آنها نه زیبا هستند و نه زشت؛ کاملا معمولی و یکنواخت به نظر می‌رسند. بخاطر تکراری بودنشان اغلب دیده نمی‌شوند؛ یعنی جلب توجه نمی‌کنند. فقط در صورت نیاز خواننده

برای اکثر مردم این نکته عجیب است که نوشته‌ها هم باید طراحی شوند. بعضی از آن‌ها اصلا متوجه نقش طراحی در حروف و متون نیستند. به این دلیل که تفاوت قابل ملاحظه‌ای بین قلم‌های مختلف نمی‌بینند. اما به هر حال یک طراح گرافیک همانقدر که با تصویر سروکار دارد با نوشته هم درگیر است. نوشته‌ها نیز در آثار گرافیک به همان اندازه ارزش دارند که تصاویر. کمتر اثر گرافیک را می‌بینیم که در آن نوشته، نقش نداشته باشد. درباره دو اصطلاح کالیگرافی calligraphy و تایپوگرافی typography بسیار صحبت شده است. بحثی وجود ندارد که کالیگرافی همان خوشنویسی است. اما بعضی از اساتید رشته گرافیک اعتقاد دارند که منظور از تایپوگرافی، آرایش متون و چیدمان مناسب کلمات در کنار هم بدون دخالت در شکل آن‌هاست. و لسی معنایی که از تایپوگرافی در بین اکثر طراحان گرافیک ایران متداول است نوعی از طراحی نوشته است که برخلاف خوشنویسی، طراحی اولیه داشته باشد و با نظم از پیش تعیین شده ایجاد شود. در این شیوه، مهارت دست مطرح نیست. در خوشنویسی نکته اصلی تعیین‌کننده ابزار است؛ (قلم‌نی در کشورهای ایران، پاکستان، ... قلم‌مو در چین، ژاپن، ... و قلم‌فلزی در اروپا) اما در تایپوگرافی یا همان طراحی نوشته، ابزارها نقش مهمی ندارند. نمی‌توانیم بگوییم تایپوگرافی، ارمغانی از اروپا

سیامک خازنی  
فوق لیسانس گرافیک  
مدرس دانشگاه آزاد علمی کاربردی  
طراح و تصویرساز و همکاری با موسسات و انتشارات مختلف

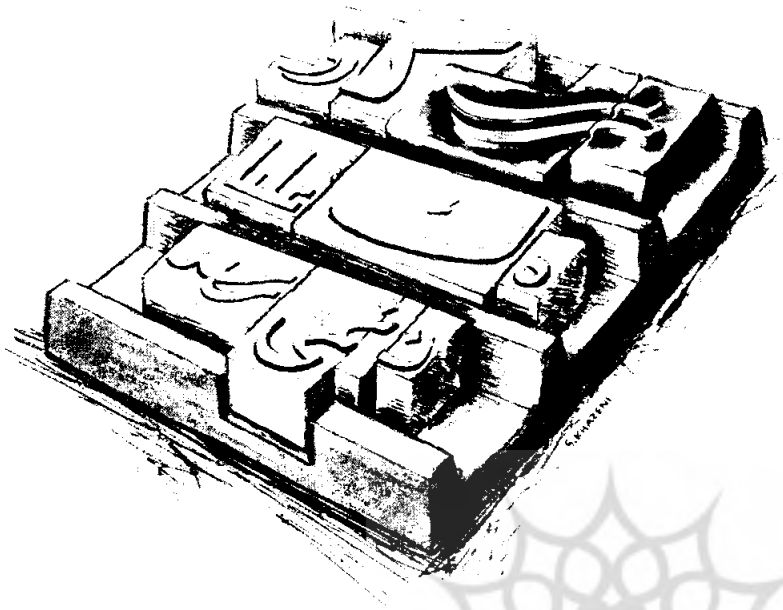
## گرافیک و چاپ

## گرافیک و چاپ

می‌شوند. این نکته باعث می‌شود که نوشته لاتین خدمتی به یک اثر گرافیک در جهت زیباتر شدنش نکند. و البته لطمه و ضرری هم به آن اثر نمی‌زند.

اما در نوشته فارسی قضیه کاملاً متفاوت است. در آثار گرافیک ایرانی، نوشته، ضمن انجام وظیفه‌ای که بر عهده دارد که همان خوانده شدن است، اغلب قسمتی از تصویر نیز محسوب می‌شود. در بعضی موارد نقش نوشته به قدری مهم می‌شود که جای تصویر را می‌گیرد. اگر به نوشته‌های فارسی در آثار گرافیک کم‌توجهی شود لطماتی که آن نوشته به کل اثر وارد می‌کند کاملاً مشهود خواهد بود. در آثار گرافیک ایرانی شکل هر کلمه و حتی تعداد آنها نیاز به طراحی ویژه‌ای دارد که با شیوه طراحی کلمه‌ای دیگر متفاوت است و این شناخت در تخصص یک طراح است. کلمات کوتاه یا طولانی، کلماتی که بیشتر در بالای خط کرسی هستند و یا آنها که پایین خط کرسی را اشغال می‌کنند، کلمات بی‌تعادل یا دارای تعادل - هر کدام روش طراحی متفاوتی را می‌طلبند. از این جهت یک طراح، حتماً لازم است نسبت به شکل نوشته‌های اثرش حساس باشد و با انتخاب‌ها و طراحی‌های مناسب برای نوشته‌های در کنار تصویر، در جهت کمک به زیبایی و البته ارتباط مفهومی آن اثر تلاش کند.

در دو قرن اخیر به خط فارسی آسیب‌های زیادی وارد شد. ورود ماشین آلات چاپ اولیه (چاپ برجسته) اولین و بزرگ‌ترین آسیب را به این خط وارد کرد. اروپای صنعتی، ماشینی مناسب با حروف و خط لاتین، برای تکثیر، ساخت؛ و ما همان ماشین را تهیه کردیم و



تنوع حروف در اتصال به حروف دیگر در خط نستعلیق مشکلاتی را در تبدیل به حروف سربی ایجاد میکند □

## ی س بی یار یار

خط شکسته نستعلیق شدیدتر می‌شود. مثل قسمت بالای حروف «ک» و «گ» و قسمت پایین حروف «ن» و «ی». این کشیدگی‌ها با سطرهای بالا و پایین برخورد می‌کنند و ساخت حروف سربی را غیرممکن می‌سازند. خط نسخ می‌توانست انتخاب مناسب‌تری باشد چرا که فشرده‌تر بوده و فضای منفی کمتری نسبت به اقلام ذکر شده دارد. همچنین تنوع محدودتری در حالت‌های حروف داشته و از خط کرسی نیز زیاد دور نمی‌شود. ضمناً حروف سربی کادرهای مستطیل عمودی با اندازه‌های ثابت از لحاظ ارتفاع دارند. از این جهت نیز با خط نسخ هماهنگی بیشتری وجود دارد. و به بسیاری از دلایل دیگر خط نسخ برای این استفاده فنی و صنعتی انتخاب شد.

حتی همین خط نسخ هم به ناچار دستخوش تغییراتی شد. بطور مثال در این خط حرف «نا» به چند شکل نوشته می‌شود که برای تبدیل به حروف چاپی باید یکی از آنها انتخاب

مجبور شدیم خط فارسی را آنقدر تغییر بدهیم تا مناسب این روش تکثیر شود.

خط اصلی و رایج‌تر متون فارسی در آن زمان نستعلیق بود که به چند دلیل برای ماشینی شدن مناسب نبود. علت اول این که حروف تنوع زیادی در این شیوه قلم دارد. بطور مثال حرف «س» اگر قبل از حرف «ل» بیاید، تفاوت با همان حرف «س» که قبل از حرف «د» قرار بگیرد تفاوت دارد و بسیاری از این گونه موارد. که این مساله باعث زیاد شدن تعداد حروف سربی می‌شود و کار حرفچین را سخت کرده، سرعت انجام کار را نیز پایین می‌آورد و تقریباً غیر عملی است. بخصوص اگر متوجه باشیم که تعداد حروف فارسی در حالت عادی نزدیک به دو برابر حروف لاتین است؛ چرا که در لاتین یک حرف یا کاراکتر فقط به دو حالت بزرگ «B» و کوچک «b» طراحی می‌شود اما در فارسی بعضی حروف به دو حالت «ز-ز» در یک مورد به سه حالت «آ-ا-ا» و اکثر حروف به چهار حالت اول، وسط، آخر و تنها «ع-ع-ع-ع» طراحی می‌شوند.

نکته دومی که مانع تبدیل شدن خط نستعلیق به حروف سربی می‌شود کشیدگی‌های این خط به بالا و پایین است. این مشکل در

می‌شد. یا این که در خط نسخ، قسمتی از بعضی حروف در زیر حرف بعدی یا روی حرف قبلی قرار دارد (ادامه حرف «ر») که این زیبایی در نوشتن، در هنگام طراحی نسخ روزنامه‌ای برای مکعب‌های سربی از بین می‌رود. همچنین عرض حروف در بعضی، چهار یا پنج برابر برخی دیگر است («ک» در مقایسه با «ه») در حالی که در نسخ روزنامه‌ای این نسبت به سه برابر کاهش می‌یابد.

دومین آسیب به خط فارسی توسط دستگاه تایپ وارد شد و سومین آسیب زمانی که رایانه در هنر گرافیک جایی پیدا کرد. اگرچه این لطافات به شدت لطمه اولیه (ماشین چاپ) نیست اما نقش نسبتاً مهمی در ساخت خط فارسی کاربردی امروزی دارد. و اما علت این آسیب‌ها چیز دیگریست. نا آگاهی غیر متخصص‌ها.

مدتی نه‌چندان کوتاه، زمام امور رشته گرافیک در اکثر شاخه‌ها به دست متخصصین نرم افزار افتاد. بار اولی نیست که این اشتباهات گریبانگیر ما می‌شوند. مطمئناً بار آخر هم نخواهد بود. این جماعت به دلیل تسلط به فن، با استفاده آگاهانه از جلوه‌های ویژه این ابزار (کامپیوتر)، توانستند ضعف‌هایشان را در شناخت مبانی هنر، آشنایی به اصول ترکیب بندی، توانایی در طراحی، تسلط بر شیوه‌های برقراری ارتباط با مخاطب و... بیوشانند و آثاری ضعیف، سطحی و بدون پشتوانه فرهنگی اما دارای جذابیت‌های ظاهری را عرضه کنند. متأسفانه این چرخه، زمانی کامل می‌شود که مخاطبین هم این آثار را تایید کنند و به اصطلاح بپسندند.

بیشتر از ۱۰ سال گذشت. دو سه سالی پیش نیست که همان مخاطبین متوجه شدند که طراح گرافیک ضمن تسلط به ابزار باید از سواد بصری بالایی نیز برخوردار باشد. اما هنوز هم برخی فعالیت‌های گرافیک مثل طراحی پایگاه‌های اینترنت، به دلیل نیاز به برنامه‌نویسی و بعضی مسایل فنی پیچیده، همچنان در دست مهندسين نرم افزار است. طراحی الفبا (فونت) برای برنامه‌های فارسی نویسن نیز در همین طوفان قرار گرفت.

بیراحتی می‌توان گفت که شرکت‌های سازنده نرم‌افزارهای فارسی نویسن در ایران، برای اغلب فونت‌های موجود در نرم‌افزارشان وجهی پرداخت نکرده‌اند. بطور کلی چنین عادتی ندارند. و این نکته، بزرگ‌ترین عامل نابودی تدریجی این شاخه از فعالیت گرافیک یعنی طراحی الفبا است. چرا که طراحان نیز تمایلی به انجام چنین فعالیت‌هایی ندارند.<sup>۱</sup> می‌توانیم قلم‌های موجود در نرم افزارهای فارسی نویسن را به سه گروه اصلی تقسیم کنیم:

۱- قلم‌هاییکه ظاهر شکلی و مناسبی دارند، قدیمی هستند و توسط طراحان کشورهای عربی طراحی شده‌اند.

۲- گروهی دیگر اصول اولیه خط فارسی را به دلیل عدم توانایی طراح و نداشتن دانش و مهارت لازم، زیر پا گذاشته‌اند و تنها امتیاز این گروه، زیاد کردن تعداد قلم‌های موجود در نرم افزار و در نتیجه بالا بردن اعتبار شرکت سازنده است. اگر چه کمتر کسی رغبت می‌کند از این قلم‌ها برای متون فارسی استفاده کند.

۳- تعداد کمی از این قلم‌ها نیز توسط طراحان ایرانی خلق شده که البته از زیبایی، خوانایی و رعایت اصول فنی مشخصی برخوردارند. بعضی از این گروه از قلم‌ها نیز به دلیل عدم رعایت حق خالق اثر (کپی رایت) در ایران مورد سوءاستفاده مادی و معنوی برخی از شرکت‌های تولید کننده نرم افزارهای فارسی قرار گرفته است.

اما در این مدت حرکت‌های مثبتی هم انجام شده که نباید نادیده گرفت. برگزاری چندین نمایشگاه گروهی تایپوگرافی موضوعی، که مورد استقبال بسیاری از دانشجویان گرافیک قرار گرفته است یکی از این موارد است. با این که در این مجموعه فعالیت‌ها، به جنبه تزئینی آثار بیشتر از جنبه کاربردی آن اهمیت داده می‌شود اما با در نظر گرفتن این نکته که هر حرکتی نیاز به پشتوانه فکری دارد و باعث ایجاد تفکر در مخاطب نیز می‌گردد تمام این نوع فعالیت‌ها را می‌توان مثبت ارزیابی کرد؛ یعنی حرکت رو به جلو. همچنین توجه

FONTLAB FONT TABLE															Hamoonssoft		
Font: HMS1Aidin															01/17/09 17:57:26		
															Page 1/2		
!	"	■	□	%	*	'	( )	x	+	,	-	.	/				
۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	:	:	«	=	»	؟		
آ	ا	ا	'	ئ	ئ	ء	ب	ب	ب	پ	پ	پ	پ	پ	ت		
ث	ث	ث	ث	ث	ث	ج	ج	ج	ج	[	لله	]					
ر	ر	ر	ر	ر	ر	خ	خ	خ	خ	د	د	د	د	د	ز		
ز	ز	ز	ز	ز	ز	س	س	س	س	ش	ش	ش	ش	ش			
چ						ه	ه	ه	ه	و	و	و	و	و			
						ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ			
						ة	ة	ة	ة	ي	ي	ي	ي	ي			
						ط	ط	ط	ط	ظ	ظ	ظ	ظ	ظ			
						ص	ص	ص	ص	ض	ض	ض	ض	ض			
						ع	ع	ع	ع	غ	غ	غ	غ	غ			
						ك	ك	ك	ك	گ	گ	گ	گ	گ			
						و	و	و	و	ه	ه	ه	ه	ه			

۱- توجه به این نکته اهمیت بسیاری دارد. به نظر می‌رسد دلیل اصل ناتوانی شرکت‌ها برای خرید فونت عدم وجود قانونی برای کپی برداری است به همین خاطر خرید فونت استفاده‌ای برای شرکت‌های تولید کننده نرم افزار ندارد.

۲- گروه پژوهشی عفرای از سال‌ها پیش به اهمیت رسیدگی به نایسامانی فونت‌ها پی برده و مدت‌هاست که به اشکال مختلف در تلاش برای کنترل ناهنجاری‌های ایجاد شده در وضعیت فونت فارسی است. از جمله این حرکت‌ها تهیه شناسنامه فونت فارسی برای شورای عالی اطلاع رسانی، پرداختن به مسئله فونت در هر شماره از فصلنامه گرافیک و چاپ و همین ویژه نامه می‌باشد.

داشته باشیم که بسیاری از طراحان گرافیک ایرانی به شکل تخصصی فقط روی نوشته کار می‌کنند. اگر موقتاً و به دلایل ذکر شده از طراحی الفبا دور شده‌اند اما به طراحی کلمه در بخش‌های تجاری یا فرهنگی گرایش بیشتری پیدا کرده‌اند. شاید همین نکات مثبت، موجب شده تا صاحب نظران هنر در کشورهای دیگر، حاکمیت نوشته را مشخصه آثار گرافیک ایرانی بدانند<sup>۲</sup> ■